

سخن ناشر

با وقوع انقلاب اسلامی که نقطه عطفی در تاریخ تحولات معاصر جهان محسوب می شود، ایران اسلامی آغازگر تقابلی تاریخی با غرب شد. ایران اسلامی به رهبری امام راحل رحمته الله تعالی پرچم استقلال سیاسی و فکری را برافراشت و در گام اول موفق به تحقق هدف استقلال سیاسی گردید. برای رسیدن به استقلال فکری هرچند از آغاز شکل گیری نهضت تاکنون تلاش های فراوانی صورت بسته است اما هنوز راهی طولانی و پر پیچ و خم باقی مانده است. بی تردید در این راه پرنشیب و فراز یکی از نقاط محوری تکیه بر سنت و تراث عقلی اسلامی است. تراث عقلی اسلامی برای این که راه خود را در عصر کنونی در مسیر تحقق دانش های دینی به خوبی باز کند در قدم اول باید به خوبی تقریر و تبیین شود. از این رو باید تلاش های دانشی متعددی رقم بخورد و آثار متعددی برای تقریر و تبیین آن پدید آید. در چنین فضایی نشر آثار حکمی ضرورتی دوجندان می یابد، ضرورتی که گاه در میانه حوادث و تلاطم های سیاسی-فرهنگی به فراموشی سپرده می شود.

در میان دستگاه‌های حکمی و مکاتب فلسفه اسلامی، به حق، حکمت متعالیه سزاوار نام و عنوان “متعالیه” است. هرچند در روزگار ما این دستگاه غنی فلسفی موضوع پژوهش‌های متعددی قرار گرفته و آثار متعددی پیرامون آن شکل گرفته است، اما هنوز ابعاد و زوایای متعددی در اطراف آن وجود دارد که مورد کنکاش محققان واقع نشده است.

کتاب پیش‌رو گامی مبارک و پیشرو در ارائه حکمت متعالیه صدرایی در قالبی نوین است که می‌تواند خواننده را با نگاهی ویژه به تماشای دستگاه شکوهمند این حکیم گرانقدر بکشانند.

انتشارات آل احمد ع.ا.ح. بر خود لازم می‌داند از استاد گرانقدر حضرت آیت‌الله سید یدالله یزدان‌پناه رحمته‌الله که این کتاب محصول بیان و بنان ایشان است، تشکر و قدردانی نماید. همچنین لازم می‌داند از مؤسسه آموزشی پژوهشی نفحات که در آماده‌سازی این اثر برای نشر زحمات فراوانی متحمل شدند، کمال تشکر خود را به عمل آورد.

علی رستمی

مدیر انتشارات آل احمد ع.ا.ح.

سخن مؤسسه

تاریخ علوم اسلامی از ابتدای شکل‌گیری تاکنون فراز و فرودهای متعددی به خود دیده است؛ از شکل‌دهی به دستگاه و نظام اندیشگانی تا بسط و توسعه‌ها، نقد و مقابله‌ها و...؛ در این میان هرگاه عالمی مؤسس رخ نموده است با تکیه بر تراش پیشینی و استفاده از ظرفیت‌های دانشی قبلی و نیز نبوغ و قوت علمی خود، دانش به جهت محتوا، ساختار، روش و عمق پرداخت و تحلیل مسائل رشدی متمایز و چشمگیر داشته است. عمدتاً مؤسسان در دانش‌ها به جهت دغدغه و رسالت تاریخی، سعی در بیان اندیشه‌ی جدید و ارائه‌ی تقریرهای متعدد از آن و پاسخ به اشکالات و شبهات احتمالی می‌کنند و حجم انبوهی از آثار ایشان را چنین فضایی پر می‌کند. هر چند اصل اندیشه در ذهن ایشان نظامی منسجم دارد ولی بیان منسجم و دستگاه‌وار آن، گاه و بلکه اغلب بوسیله خود دانشیان مؤسس صورت نمی‌گیرد و این رسالت بر دوش پیروان بعدی آن دانشمند می‌افتد. این نکته به وضوح، ضرورت پرداخت نظام‌مند و سازوار به اندیشه‌های دانشمندان به‌ویژه مؤسسان و نوآوران هر دانش را نمایان می‌سازد.

از دیگر سوارائه منسجم و نظام‌مند یک اندیشه علاوه بر سهولت انتقال آن، موجب فهم بهتر و دقیق‌تر شده و زمینه را برای تلاش‌های علمی بعدی در آن دانش فراهم‌تر می‌سازد.

حکمت اسلامی و حکیمان مؤسس و نوپرداز نیز از این قاعده خارج نیستند؛ پرداخت نظام‌مند و سازوار به اندیشه حکیمان به‌ویژه مؤتسان و علی‌الخصوص صاحبان مکتب فلسفی ضرورتی انکارناشدنی دارد.

اساساً در چنین فضایی است که حکمت می‌تواند به خوبی بسط و ترویج داده شود و این کار زمینه را برای فهم، بازخوانی و بازتقریر، نقدهای عالمانه و در نهایت امتداد بخشی به خوبی فراهم می‌سازد.

اثر پیش‌رو که محصول تلاش‌های علمی گران‌سنگ استادی مسلم در حکمت و عرفان اسلامی است، چنین رسالتی را برعهده گرفته است. جناب استاد سید یدالله یزدان‌پناه رحمته‌الله با تسلطی کم‌نظیر بر حکمت متعالیه و با بیانی روان و جذاب، نگاهی دستگاه‌وار و نظام‌مند به تراث علمی صدر حکما یعنی صدرالمآلهین انداخته و ابعاد مختلف و اساسی این اندیشه را شناسایی کرده‌اند و در نهایت طرحی نو در نگاه سازوار به حکمت متعالیه درانداخته‌اند. تسلط همه جانبه بر حکمت متعالیه و تتبع فراوان استاد توانسته طرح ایشان را بسیار جذاب و کاملاً مستند به نگاه‌های صاحب این مکتب سازد که از این حیث در نوع خود کم‌نظیر و بلکه بی‌نظیر است.

قلم روان و فنی فاضل گرانقدر حجت‌الاسلام والمسلمین رضا درگاهی فرزند نیز توانسته به خوبی پژوهش استاد و نگاه ژرف ایشان را به رشته تحریر درآورد.

معاونت پژوهش از استاد گرانقدر به‌خاطر همکاری در نشر این اثر و نیز از فاضل گرامی حجة الاسلام والمسلمین رضا درگاهی فرزند که زحمات بسیاری در نهایی‌شدن این اثر متقبل شدند، کمال تشکر را دارد. امید است این اثر، گامی

نو در پرداخت به حکمت متعالیه و نیز در انتشار دیگر آثار حکمی استاد عزیز
باشد و مورد رضایت خداوند متعال و ولی عصر عجله الله تعالی فرجه الشریف واقع شود، ان شاء الله.

مهدی صداقت

معاون پژوهش موسسه آموزشی و پژوهشی نفحات



فهرست اجمالی

۳۷	فصل اول / نگاهی به زندگی نامه علمی ملاصدرا
۱۲۱	فصل دوم / مختصه اول / فلسفی بودن حکمت متعالیه
۲۰۱	فصل سوم / مختصه دوم / وجودی بودن حکمت متعالیه
۲۵۷	فصل چهارم / مختصه سوم / روش فلسفی حکمت متعالیه
۳۵۹	فصل پنجم / مختصه چهارم / هضم آموزه های اسلامی در حکمت متعالیه
۴۴۵	فصل ششم / مختصه پنجم / هضم آموزه های عرفان نظری در حکمت متعالیه
۵۰۱	خاتمه
۵۱۱	فهرست ها
۵۴۳	چکیده



فهرست تفصیلی

۲۳	پیشگفتار
۳۱	مقدمه

فصل اول

نگاهی به زندگی نامه علمی ملاصدرا

۳۹	نام و القاب
۴۲	ولادت
۴۶	ادوار و مواطن زندگی
۴۷	دوره نخست: تحصیل
۴۷	هجرت به قزوین
۵۰	مسافرت به اصفهان
۵۴	فضای فلسفی دوران تحصیل ملاصدرا
۶۱	آشنایی با عرفان و گرایش بدان
۶۲	دوره دوم: دوره انزوا، ریاضت، کشف و تحقیق

۶۲	مهاجرت به قم (کهنک)	
۷۵	دوره سوم: دوره تألیف و بسط و نشر حکمت متعالیه	—
۸۴	هجرت به شیراز	
۸۸	— بررسی سه نکته	
۸۸	اول: ازدواج ملاصدرا با دختر ضیاءالعرفای رازی	—
۹۲	دوم: تحصیل ملاصدرا در کاشان	—
۹۴	سوم: شیوه نگارش ملاصدرا	—
۹۷	وفات	—
۱۰۰	اساتید	—
۱۰۰	شیخ بهائی	—
۱۰۶	میرداماد	—

فصل دوم

مختصه اول: فلسفی بودن حکمت متعالیه

۱۲۳	درآمد	—
۱۲۶	موضوع فلسفه اولی	—
۱۲۶	دیدگاه ارسطو	—
۱۳۱	دیدگاه ابن سینا	—
۱۳۶	دیدگاه ملاصدرا	—
۱۴۲	منظور از قید «بما هو موجود»	—
۱۵۱	غرض فلسفه اولی	—
۱۵۵	کارکردها و فایده‌های فلسفه	—
۱۵۵	معنابخشی به زندگی	—
۱۵۶	تمدن سازی	—

۱۵۶	پشتیبانی از دانش‌های دیگر
۱۵۷	فراهم آوردن زبان مشترک جهانی
۱۵۷	دین‌شناسی عمیق و محققانه
۱۵۸	ارتقای دانش کلام
۱۶۰	— روش فلسفهٔ اولی
۱۶۲	— انواع کنش‌های عقل نظری
۱۶۳	عقل اولی
۱۶۵	عقل شهودی
۱۶۹	عقل شبیه‌ساز
۱۷۱	عقل تحلیلی
۱۷۲	عقل کلی‌یاب
۱۷۷	عقل توصیفی
۱۷۸	عقل استدلالی
۱۸۲	عقل انسجام‌بخش
۱۸۴	— مسائل فلسفهٔ اولی
۱۸۷	— ابزارهای مفهومی خاص فلسفهٔ اولی
۱۹۳	— نتایج متفرع بر بحث‌های پیشین
۱۹۳	هویت فلسفه
۱۹۴	۱. همگانی بودن فلسفه
۱۹۵	۲. تمایز فلسفه از کلام
۱۹۷	۳. تمایز فلسفهٔ اشراقی با عرفان نظری
۱۹۸	تأثیر این مختصه بر مختصات دیگر

فصل سوم

مختصه دوم: وجودی بودن حکمت متعالیه

- ۲۰۳ درآمد —
- ۲۰۵ وجود به مثابه نقطه آغاز —
- ۲۰۷ معیارهای مناسب بودن نقطه آغاز —
- ۲۰۸ ابزار و مبانی لازم —
- ۲۱۰ دستگاه سازوار هستی شناختی —
- ۲۱۲ برخورد وجودی با مسائل فلسفه —
- ۲۱۵ باشکوه بودن دستگاه فلسفی حکمت متعالیه —
- ۲۱۷ قدرت های حاصل آمده از نگاه وجودی در حکمت متعالیه —
- ۲۱۷ اول) حل مسائل نو —
- ۲۲۱ دوم) راه حل های نو برای مسائل کهن —
- ۲۲۴ سوم) ارائه استدلال ها، تحلیل ها و تنقیح های نو برای مسائل پیشین —
- ۲۲۶ چهارم) ارائه استدلال ها و تبیین های وجودی برآمده از آموزه های ژرف و... —
- ۲۲۷ پنجم) حل برخی نزاع ها —
- ۲۲۹ ششم) بهره گیری از برخی آموزه های عرفانی به مثابه قواعد فلسفی... —
- ۲۳۳ امکان گسترش دستگاه وجودی صدرایی —
- ۲۳۳ گسترش در قلمرو الهیات صدرایی —
- ۲۳۵ گسترش در قلمرو فلسفه های مضاف —
- ۲۳۷ نتایج رویکرد وجودی حکمت متعالیه —
- ۲۳۷ اول) جامعیت فکری و هویت جدید حکمت صدرا —
- ۲۴۳ دوم) امکان تفکیک مباحث صدرایی از طبیعیات قدیم —
- ۲۴۳ سوم) راه شناخت دیدگاه های نهایی صدرا —
- ۲۴۵ چهارم) امکان تکمیل برخی مطالب صدرایی —

۲۴۶	پنجم) روی آوردن به نگرش عرفانی
۲۴۷	ششم) متفاوت بودن نگاه و دیدگاه صدرایی در بحثهای مشابه
۲۴۹	مکتب و خرده مکتب صدرایی
۲۵۰	معیارهای شکل‌گیری مکتب فلسفی
۲۵۱	معیارهای کمال مکتب فلسفی
۲۵۳	خرده مکتب
۲۵۴	پیروان محقق مکتب
۲۵۵	عرضه منسجم و نظام‌مند آموزه‌ها
۲۵۵	ارائه استدلال‌ها و تبیین‌های نو
۲۵۶	نقض و ابرام برای زدودن کاستی‌ها

فصل چهارم

مختصه سوم: روش فلسفی حکمت متعالیه

۲۵۹	درآمد
۲۶۰	مکتب و مشرب
۲۶۰	روش عام و روش خاص
۲۶۳	سنت اشراقی و سنت بحثی
۲۶۴	روش اشراقی در تاریخ فلسفه اسلامی
۲۸۰	حکمت متعالیه و روش اشراقی-بحثی
۲۸۴	مبانی بهره‌گیری حکمت متعالیه از شهود
۲۸۴	۱. واقع‌نمایی و حجیت شهود
۲۸۶	۲. برتر بودن راه کشفی از راه عقلی
۲۸۶	الف) ضعیف بودن معرفت از راه لوازم و آثار
۲۸۸	ب) معرفت عقلی، دیدن از راه دور و در هوای غبارآلود است

۲۸۹	ج) ناممکن بودن شناخت حقیقت فصل از راه عقل
۲۹۰	د) لزوم شهود مبادی عالی برای شناخت اکتناهی اشیا
۲۹۲	— ضرورت بهره‌گیری از شهود در فلسفه
۲۹۲	— ۱. پیچیدگی و لطافت حقایق عوالم برتر
۲۹۶	— عقل منور
۲۹۹	— ۲. تجربه خود فیلسوف
۳۰۷	— همراهی برهان با شهود در روش فلسفی صدرالمতألهین
۳۱۹	— مبانی روش خاص فلسفی صدرالمতألهین
۳۱۹	— ۱. مخالف نبودن برهان حقیقی و کشف مصیب
۳۲۵	— ۲. محدودیت عقل
۳۳۱	— ۳. عقلی بودن فعالیت فلسفه‌ورزی
۳۳۱	— فلسفی کردن شهود با عقل منور
۳۳۲	— دستاوردهای شهود برای عقل منور
۳۳۲	— ۱. فهم درست حقایق
۳۴۰	— ۲. دستیابی به حد وسط
۳۴۴	— ۳. هدایت عقل به‌گونه سلبی
۳۴۵	— ۴. هدایت‌گری عقل به‌گونه ایجابی
۳۴۷	— لزوم ممارست عقلی برای فلسفی کردن شهود
۳۴۷	— تذکار نکاتی درباره روش خاص فلسفی ملاصدرا
۳۴۷	— ۱. مراد از مشرب اشراقی در فلسفه
۳۴۹	— ۲. پذیرش روش اشراقی با تحلیل و استدلال عقلی
۳۵۰	— ۳. تعیین بخشی عقل به خود
۳۵۱	— ۴. علل گرایش ملاصدرا به روش اشراقی

۳۵۱	الف. شریعت	
۳۵۳	ب. بستر آماده فلسفی	
۳۵۴	ج. سنت عرفانی شکل گرفته در دوره اسلامی	
۳۵۴	د. اساتید باورمند به شهود	
۳۵۴	۵. نیرومند شدن عقل سلیم در پی حکمت متعالیه	—
۳۵۵	۶. روش طبیعی ملاصدرا در مقام اثبات، افزون بر روش اشراقی...	—

فصل پنجم

مختصه چهارم: هضم آموزه‌های اسلامی در حکمت متعالیه

۳۶۱	درآمد	—
۳۶۴	بستر تاریخی بهره‌گیری از دین در فلسفه	—
۳۷۰	علت توجه فیلسوف به متن دینی	—
۳۷۱	نفس مستکفی	—
۳۷۹	عقل کل بودن نبی	—
۳۸۲	حقیقت وحی	—
۳۹۰	مبانی ملاصدرا در بهره‌گیری از دین در فلسفه	—
۳۹۰	۱. معرفتی بودن ساحت معارفی دین	—
۳۹۲	۲. برترین بودن هستی‌شناسی قدسی دینی	—
۳۹۵	۳. هم‌افق بودن فلسفه اسلامی با دین به لحاظ ساحت‌ها و مسائل ...	—
۳۹۷	۴. سازگاری عقل و دین	—
۴۰۳	۵. قصور عقل	—
۴۰۶	۶. هدایتگری و متمیم عقل توسط دین	—

— روش عام و نحوه بهره‌گیری از دین در فلسفه ۴۰۸

— ۱. بهره‌گیری نادرست از دین در فلسفه ۴۰۸

— ۲. روش عام؛ روند و شیوه بهره‌گیری فیلسوف از متون دینی ۴۱۰

— گونه‌های بهره‌گیری از دین در فلسفه ۴۲۱

— ۱. مسئله‌سازی ۴۲۲

— ۲. بسترسازی ۴۲۲

— ۳. ایجاد تصویر صحیح ۴۲۳

— ۴. به دست آوردن حد وسط ۴۲۵

— ۵. استفاده از دین به مثابه میزان فلسفه ۴۲۶

— نمونه‌هایی از بهره‌گیری فیلسوفانه از متن دینی ۴۲۷

— (۱) معاد جسمانی ۴۲۷

— (۲) بداء ۴۲۸

— (۳) حدوث زمانی عالم ۴۳۰

— (۴) مرگ طبیعی ۴۳۲

— (۵) اتحاد عاقل و معقول و اتحاد نفس با عقل مفارق ۴۳۴

— (۶) معراج جسمانی رسول اکرم ﷺ ۴۳۴

— نتایج بهره‌گیری حکمت متعالیه از دین ۴۳۶

— ۱. تبدیل حکمت حقه به حکمت اصطلاحی ۴۳۶

— ۲. اسلامی شدن فلسفه ۴۳۸

— امتیازهای حکمت متعالیه در بهره‌گیری از دین ۴۴۲

— ۱. جلوداری حکمت متعالیه در اسلامی بودن ۴۴۲

— ۲. آمیختگی فلسفه و تفسیر در حکمت متعالیه ۴۴۲

— ۳. تحقق فلسفه شیعی در حکمت صدرایی ۴۴۳

فصل ششم

مختصه پنجم: هضم آموزه‌های عرفان نظری در حکمت متعالیه

- ۴۴۷ — درآمد
- ۴۵۱ — بستر تاریخی بهره‌گیری ملاصدرا از عرفان نظری
- ۴۵۴ — مبانی بهره‌گیری ملاصدرا از عرفان نظری
- ۴۵۴ — ۱. برتر بودن راه کشف نسبت به راه عقلی
- ۴۵۴ — ۲. محدودیت و قصور عقل
- ۴۵۴ — ۳. برتر بودن هستی‌شناسی عرفانی
- ۴۶۲ — گونه‌های بهره‌گیری ملاصدرا از متون عرفانی
- ۴۶۳ — ۱. الهام بخشی
- ۴۶۷ — ۲. تأیید دستاوردهای فلسفی
- ۴۶۸ — ۳. فهم مسائل عمیق
- ۴۷۰ — ۴. راه حل‌های جدید برای مسائل فلسفی
- ۴۷۳ — ۵. بهره‌گیری از برهان‌های عارفان
- ۴۷۴ — تلاش‌های ملاصدرا در خصوص عرفان نظری
- ۴۷۴ — ۱. استدلال بر معارف عرفانی
- ۴۷۸ — ۲. تقریر و تحریر مطالب عارفان
- ۴۸۴ — ۳. بیان مطالب عارفان با زبان غنی‌تر، فنی‌تر و تعلیمی‌تر
- ۴۸۴ — ۴. بهره‌گیری از زبان عرفانی به مثابه زبان فلسفی
- ۴۸۷ — نتایج هضم آموزه‌های عرفانی در حکمت متعالیه
- ۴۸۷ — ۱. نیاز به عرفان نظری برای فهم عمیق فلسفه صدرا
- ۴۸۹ — ۲. احیای عرفان حقیقی
- ۴۹۱ — ۳. شکل‌گیری دوره سوم عرفان نظری

۴۹۳	۴. شکل‌گیری دوره‌ای تازه در جریان تربیتی و سلوکی عرفانی
۴۹۵	۵. همراهی عقل و دل

خاتمه

۵۰۳	چگونگی انسجام مختصات پنج‌گانه در راستای هویت فلسفی حکمت متعالیه
۵۰۳	مختصهٔ هویت فلسفی
۵۰۵	مختصهٔ روش خاص
۵۰۷	مختصه‌های روش عام؛ هضم دین و عرفان نظری در فلسفه
۵۰۸	مختصهٔ وجودی

فهرست

۵۱۳	فهرست منابع
۵۱۳	کتاب‌ها
۵۲۳	مقالات
۵۲۵	فهرست آیات
۵۲۹	فهرست روایات
۵۳۱	فهرست نام‌ها
۵۳۷	فهرست کتاب‌ها و مقالات
۵۴۳	چکیده
۵۴۵	الملخص
۵۴۸	Abstract

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

ستایش خدایی را سزااست که حقیقت وجود و کمالات مخصوص بدان در انحصار اوست. همو که نور وجودش همه جا را درنور دیده و حکمت تام و کاملش مخلوقات را در پی هم به دار هستی فرود آورده و قهر وجودش همگان را به خضوع واداشته است. سپاس بی حد از آن حکیم مطلقى است که عقل را به آدمیان ارزانی داشت و راه شهود را گشود و شریعت سراسر حکمت خود را بی دریغ در اختیار همگان نهاد و درخت فلسفه و حکمت را در جان بندگان ویژه اش با استواری نشانند.

سلام و درود فراوان بر معلّم حکمت، مزگی سراسر رأفت، پیامبر رحمت، عقل کل، خاتم رُسل، محمد ﷺ، و نیز درود بی پایان بر معادن حکمت و خزائن حقیقت، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، آن ها که کلامشان قدسی، و منطقشان مبرای از هر خطا و کجی، و خردشان آسمانی، و عملشان نورانی است. فلسفه اسلامی در بستر تاریخ، فهم فیلسوفانه ویژه ای را از عالم و آدم رقم زده است. این فلسفه در سیر تاریخی اش توانسته است پرده ها را از چهره بسیاری از

• مختصات حکمت متعالیه •

حقایق کنار زند و خردمندان فرهیخته را در درست دیدن و درست فهمیدن و درست ساختن خود یاری رساند.

تلاش‌ها و کوشش‌های فیلسوفان برجسته و پرشمار مسلمان در طول تاریخ پرنشیب و فراز فلسفه اسلامی، بیشتر در مکاتب فلسفی مشائی، اشراقی و حکمت متعالیه به بار نشست و رخ نمود. باید اذعان کرد که بر تارک سنت فلسفه اسلامی، بیش و پیش از همه، حکمت متعالیه می‌درخشد. این مکتب فلسفی به دلیل قوت‌های عقلی‌اش، بسط و شکوه بی‌همتایش و انسجام اندیشگانی‌اش، توانسته است خردمندان و فیلسوفان فرهیخته بسیاری را به خود جذب کند. از این‌رو این مکتب فلسفی، که در سده یازدهم هجری با حکیم سترگ دوره اسلامی، صدرالمتهلین شیرازی رحمه‌الله پای به عرصه وجود نهاد، تا اکنون هم‌چنان و بی‌توقف به حیات علمی و معنوی خود ادامه داده و بسط یافته است. بزرگان چون فیض کاشانی، ملاعلی نوری، حکیم سبزواری، آقاعلی مدرس، آقامحمد رضا قمشه‌ای، آیت‌الله شاه‌آبادی، علامه طباطبایی و حضرت امام خمینی رحمته‌الله از پیروان این مکتب به شمار می‌روند.

به بیان دیگر، حکمت متعالیه هرچه از آغاز خود، یعنی سده یازدهم، بیشتر فاصله گرفت، بیشتر مورد اقبال قرار گرفت، تا جایی که در سده‌های اخیر میدان‌دار بی‌رقیب عرصه‌های علمی و فلسفی گشته است. در این سده‌ها هرچند فلسفه‌ورزان و اندیشه‌وران و پژوهشگران در افکار فلسفی، در کنار حکمت متعالیه به مطالعه و تأمل در آثار فلسفی مشائی و اشراقی نیز پرداخته‌اند، اما به طرزی شگفت، حکمت متعالیه فکر و ذهن آن‌ها را به خود جلب کرده و مشغول داشته است. این‌گونه اثرگذاری و فراگیری حکمت متعالیه، آثار علمی و عملی و اجتماعی گسترده‌ای به همراه داشته است.

تأثیرات علمی حکمت صدرایی را می‌توان در عرفان، تفسیر، کلام، اخلاق، سیاست و حتی در عمل معنوی مشاهده کرد. دوره سوم عرفان نظری، که

• پیشگفتار •

ورزیدگی، نکته‌سنجی و ژرفایی ویژه‌ای دارد، به دست ملاصدرا و پیروان محقق حکمت صدرایی رقم خورده است، که در جای خود بدان پرداخته‌ایم. تفسیر متون دینی پس از صدرالمتألهین به نیرومندی روشی و محتوایی ویژه و بی‌سابقه‌ای دست یافته است. آثار ملاصدرا، فیض کاشانی و علامه طباطبایی گواه روشنی بر این مدعایند. بدین نکته باید در محل مناسب خود به تفصیل پرداخت، که به بخشی از آن در بحث تحقق فلسفه اسلامی، ذیل دروس حکمت متعالیه، پرداخته‌ایم. به هر روی، بستر پرجاذبه عقلی قرآن کریم در این آثار بیش از پیش رخ نموده است. این آثار، فهم درست عقلانی از قرآن کریم را بسیار مدد رسانده‌اند.

دانش کلام نیز با تلاش‌های ملاصدرا و پیروان وی به پختگی و سختگی بسیاری رسیده است، هرچند خواجه نصیرالدین طوسی در عصر خود زحمات‌های فراوانی را متحمل شد تا دانش کلام با چهره فلسفی و حکیمانه رونق بگیرد. در دوران شکوفایی حکمت صدرایی مباحثی ژرف همچون بداء، حدوث زمانی عالم، تشبیه در عین تنزیه، شعور موجودات، وحی و مانند این‌ها، همراه با تحلیل‌های عمیق فلسفی به آسانی به دانش کلام راه یافته‌اند.

در دانش اخلاق نیز با اندیشه‌های تازه مکتب صدرایی، همانند حرکت جوهری نفس، اتحاد عمل و عامل در صحنه جان، تفسیر ملکات بر حسب اتحاد عمل و عامل، تقسیم سه‌گانه رذایل به بهیمی، سبئی و شیطانی، و مانند این‌ها، قدرت طبقه‌بندی و تحلیل بهتری به دست آمده است که می‌توان ثمرات آن را در آثاری چون جامع السعادات، نگاشته نراقی بزرگ رحمته الله و شرح حدیث جنود عقل و جهل امام خمینی رحمته الله مشاهده کرد.

در سیاست، اندیشه‌هایی مانند جدایی‌ناپذیری قرآن و عرفان و برهان، توحیدمحوری ناب و نهایی، شریعت‌مداری مبتنی بر تحلیل فلسفی از جایگاه وحی و نبوت، آموزه عبودیت با تفسیر ژرف اضافه اشراقی و وجود فقری، نیاز و

• مختصات حکمت متعالیه •

کمال جویی انسان در تشکیل جامعه، جهات سه‌گانه نبوت و نیز تفسیر امامت و حضور اندیشه سفر چهارم عرفانی در آثار ملاصدرا و مانند این‌ها، زمینه‌ساز پدید آمدن فلسفه سیاسی مناسب در میان پیروان حکمت متعالیه گردیده است. شخصیت‌هایی چون آیت‌الله شاه‌آبادی و امام خمینی رحمه‌الله و شاگردان امام از این بستر فلسفی در این زمینه بهره‌برده‌اند و از همین رو بستر عقلانی و فلسفی در کار این محققان آشکارا دیده می‌شود. حتی به جرأت می‌توان گفت حکمت متعالیه از ریشه‌های انقلاب اسلامی ماست.

در نسبت دین و مسائل اجتماعی و سیاسی در سده‌های اخیر با دو جریان روشنفکری و قشری‌گرایی خاصی روبه‌رویم که هر دو می‌خواهند نسبت دین را با مسائل اجتماعی و سیاسی کم‌رنگ و بی‌رونق نشان دهند. اندیشه‌های صدرایی در این زمینه به پیروان ملاصدرا این امکان را داده است که یکی از جریان‌های عمده مقابله با این نوع افکار به شمار آیند. علامه طباطبائی، شهید مطهری، شهید بهشتی رحمته‌الله، حضرت استاد جوادی آملی رحمته‌الله، استاد مصباح یزدی رحمته‌الله و در رأس همه، حضرت امام خمینی رحمته‌الله و رهبر معظم انقلاب رحمته‌الله در زمره پیروان مکتب حکمت متعالیه بودند و هستند که با این جریان‌ها به مخالفت برخاسته و دیانت را عین سیاست دانسته‌اند و حضور دین را در صحنه اجتماع، جزء جدانشدنی آن شمرده‌اند. باید دانست که انقلاب اسلامی در چنین بستری رشد کرده است. در همین راستاست که رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله بر حل مشکلات تئوریک انقلاب بر پایه حکمت متعالیه تأکید کرده‌اند.

حکمت متعالیه نه تنها در صحنه‌های گوناگون علوم خود را نشان داده و ذهنیت‌ها و فرهنگ عصر ما را ساخته است، بلکه در صحنه‌های عملی نیز حاضر شده و عارفان و موحدان بسیاری را در جامعه اسلامی پرورده است. عارفان بزرگی چون فیض کاشانی، آقا محمد بیدآبادی، ملاعلی نوری، ملاهادی سبزواری،

• پیشگفتار •

قاضی طباطبایی، علامه طباطبایی رحمۃ اللہ علیہ و استاد حسن زاده آملی رحمۃ اللہ علیہ نمونه‌هایی از نسل عارفان سنت صدرایی به شمار می‌روند. این نسل توانسته است پرچمدار معنویت و عمل معنوی و عبادی در جامعه اسلامی باشد.

این چنین مکتب فلسفی پرتوان با چنین نقش‌آفرینی‌های شگرف، نیازمند بررسی‌هایی همه‌جانبه است تا هویت و جوهره آن به شایستگی به دست آید و فهم شود و مؤلفه‌های اصلی آن بازشناسی شوند، تا با بصیرت بیشتر و دقتی دوچندان بتوان از آن بهره بُرد. از سوی دیگر، برای آنکه زوایای گوناگون مکتبی فلسفی، مانند حکمت متعالیه، برای مشتاقان آن بهتر روشن شود، لازم است آن مکتب به صورت کلان و نظام‌مند بررسی شود. وجود نگاه کلان و نظام‌مند به هر فلسفه‌ای، فهم درستی از آن فلسفه را به صورت کلان برای پژوهشگر در آن فراهم می‌آورد و موجب می‌شود که زوایای نیمه‌پنهان و گاه کاملاً پنهان آن فلسفه برای او آشکار گردند. این نوع نگاه موجب می‌شود پایگاه‌های نخستین و انسجام درونی فلسفه مورد پژوهش و روش‌های به کار رفته در آن فرادید آیند و حتی گاه باعث می‌شود نگاه اجتهادی و صائب بدان فلسفه شکل بگیرد، و بلکه پژوهشگر را قادر می‌سازد تا به سان مؤسس آن فلسفه بتواند بدان بنگرد و در آن بیندیشد.

ازاین‌رو ما در این اثر در صدد عرضه نگاهی کلان و نظام‌مند به حکمت متعالیه برآمده‌ایم. برای دستیابی به چنین نگاهی، روش مختصاتی را برگزیده‌ایم و به پنج مختصه اصلی حکمت متعالیه دست یافته‌ایم. البته برخی از این مختصات در مکاتب دیگر، مانند فلسفه مشائی و اشراقی نیز موجودند؛ مختصه فلسفی بودن را فلسفه‌های مشائی و اشراقی نیز دارند و مختصه روش اشراقی - بحثی در حکمت اشراقی نیز به چشم می‌خورد، هرچند تفسیرهای حکمت متعالیه در این زمینه غنی‌تر و پخته‌تر به نظر می‌آیند. اما مختصه وجودی بودن تنها متعلق به حکمت متعالیه است. به هر روی، شیوه مختصاتی به ما کمک می‌کند تا بتوانیم تمام زوایا و جوانب حکمت متعالیه را فرادید آوریم و با توجه

• مختصات حکمت متعالیه •

به مختصات بیان شده، خواننده می‌تواند حال و هوای کلان این مکتب را به‌طور نظام‌مند درک کند، هرچند برخی از این مختصه‌ها در برخی مکاتب دیگر، مانند فلسفه مشائی و اشراقی نیز وجود دارند.

در این کتاب کوشیده‌ایم نشان دهیم که این پنج مختصه به‌صورت نامنسجم و غیر واقعی در کنار هم قرار نگرفته‌اند، بلکه حقیقتاً به‌صورت نظام‌مند با همه مؤلفه‌های فلسفه به عنوان فلسفه، با هیئت فلسفه با هم درآمیخته‌اند. بر این اساس این پنج مختصه به‌صورت جمعی، مزاج و ترکیب ویژه‌ای را فراهم آورده‌اند که به‌طور طبیعی هویت ممتازی را به ما می‌نمایانند. دستیابی به این هویت ممتاز و ویژه موجب می‌شود پژوهشگر در حکمت متعالیه، آن را به درستی بفهمد و با آن همراهی کند.

در این اثر پیش از بحث‌های اصلی مختصات، به زندگی‌نامه مؤسس حکمت متعالیه نیز نگاهی افکنده‌ایم. این زندگی‌نامه خود نشانه‌ای برای فلسفه ملاصدرا و در حکم درآمدی بر بحث‌های مختصات این حکمت است. از سوی دیگر این اثر قرار است حکمت متعالیه را معرفی کند، و شناساندن آن بدون بیان زندگی‌نامه علمی پایه‌گذار این مکتب زنده و پویا در جهان تفکر عقلی اسلامی، چندان شایسته و ثمربخش به نظر نمی‌رسد.

این کتاب فراهم آمده از بحث‌های سال نخست دروس حکمت متعالیه این جانب است، که در حضور جمعی از مشتاقان حکمت از طلاب حوزه علمیه قم، که خداوند آن را از هر بلا و آفت دور بدارد، برگزار شده است. این درس در سال تحصیلی ۸۶-۸۷ آغاز شد و آنچه در چهل‌واندی جلسه نخست در این سال تحت عنوان «مختصات حکمت متعالیه» مطرح شد، توسط فاضل گراندقرد، حجت‌الاسلام حمید آقائوری رحمته‌الله در همان سال پیاده‌سازی شد و تدوین اولیه آن صورت گرفت. از ایشان به‌خاطر قبول این زحمت بسیار سپاسگزارم. سپس فاضل ارجمند حجت‌الاسلام رضا درگاهی فرزنده کار تحقیق و تدوین و نگارش

• پیشگفتار •

نهایی را بر عهده گرفتند. ایشان مباحث این جلسات درسی را همراه با مباحث جلساتی خصوصی، که در تکمیل آن مباحث با حضور جمعی از فضلاء حوزه برگزار شد، در تدوین نهایی مد نظر قرار دادند و کوشیدند تا این اثر خوش خوان و مطبوع طبع خوانندگان محترم گردد. از ایشان نیز سپاسگزارم. همچنین از مؤسسه فرهنگ و تمدن توحیدی و کارگروه دانشیار در این مؤسسه، به خاطر پشتیبانی از حدود نیمی از نگارش و تدوین نهایی و از مؤسسه آموزشی پژوهشی نفحات برای پشتیبانی از تدوین و نگارش بقیه اثر و نهایی شدن آن و نیز از انتشارات آل احمد عالمگیری برای چاپ این کتاب صمیمانه تشکر می‌کنم. خداوند به همه این عزیزان اجر و اجر عطا فرماید.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

سید پدالله یزدان پناه

۲۵ ذی قعدة ۱۴۴۱

برابر با ۲۷ تیرماه ۱۳۹۹